

بررسی ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی نامه ۵۳ نهج‌البلاغه

حامد فشی^۱

حسن نبئی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۳۰

چکیده

در ضرورت ایجاد امنیت و آرامش برای آحاد مردم و کلیت جامعه توسط نظام سیاسی حاکم تردیدی نیست. ادعای دین مبین اسلام و مکتب مترقی تشیع مبنی بر برخورداری از برنامه عملی برای تمامی ادوار و افعال و نیازهای انسان نیز انجام پژوهش‌هایی جهت واکاوی و استخراج مفاهیم امنیتی و روش‌های ایجاد و حفاظت از آن را ضروری می‌نماید، تا بدین‌وسیله چارچوب و دستورالعمل لازم برای جوامع اسلامی حاصل آید. لیکن اغلب پژوهش‌هایی که پیرامون متون دینی و مذهبی به انجام می‌رسد صیغه فقهی و اخلاقی عام بر خود می‌گیرد و سایر ابعاد کم‌تر مورد توجه بوده و هست. در این میان می‌توان گفت بعد امنیتی و اطلاعاتی در میراث دینی از کم‌ترین توجه پژوهشی برخوردار است. نهج‌البلاغه به‌عنوان میراث اسلام و تشیع نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تا کنون بیشینه پژوهش‌ها بر سفارشات اخلاقی امیرالمؤمنین (ع) متمرکز بوده است. تحقیق پیش‌رو با تمرکز بر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر نخعی به‌عنوان والی مصر، بر آن است تا با تمرکز پژوهشی بر این میراث ناب اسلام و تشیع از یک‌سو و مورد مطالعه قرار دادن تنها دورانی که ائمه اطهار در رأس حکومت سیاسی بوده‌اند از سوی دیگر مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی، ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی را که آن حضرت به‌عنوان ویژگی‌های رفتاری یک حاکم اسلامی به والی خود سفارش کرده است احصا و تبیین نماید. نتیجه به‌دست آمده حاکی از آن است که در میان ابعاد شش‌گانه حفاظتی، سه بعد حفاظت کارکنان، حفاظت اسناد و حفاظت اماکن مورد توجه و تأکید امام علی (ع) در این نامه بوده است. در این میان حفاظت کارکنان با بیشترین فراوانی مؤلفه‌ها در سرلوحه فرامین حضرت قرار دارد و در دو بعد دیگر نیز توجه اصلی حضرت بر عامل انسانی است و این خود می‌تواند دلیلی بر انسان‌ساز بودن مکتب ائمه اطهار (ع) باشد.

کلید واژگان: مؤلفه امنیتی، مؤلفه حفاظتی، نامه ۵۳ نهج‌البلاغه.

^۱ دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) hamedfashi@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد علوم امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

مقدمه

نگاه امنیتی به سیره ائمه اطهار (ع) نشانگر آن است که زندگی ایشان سرشار از نکات امنیتی، حفاظتی و اطلاعاتی است؛ نکاتی همچون ایجاد تشکیلات پنهان و رهبری آن اعم از جذب و تربیت نیرو و راه‌اندازی شبکه قوی ارتباطی بین آنان، آگاه‌سازی حفاظتی شیعیان، امنیت ارتباطات، عامل‌گیری، نفوذ و ... گوشه‌ای از اقدامات آنان است (شیدینی، ۱۳۹۲: ۱۳). غالباً نام امیرالمؤمنین علی (ع) تداعی‌کننده صفاتی همچون عدالت، شجاعت، عبادت، مظلومیت، جوانمردی و از این قبیل است اما افراد معدودی هستند که حضرت را به انجام فعالیت‌های اطلاعاتی و جمع‌آوری اخبار و اطلاعات در حوزه خودی و دشمن بشناسد. در بررسی تاریخ اسلام و سیره آن حضرت با واژه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که حکایت از توجه خاص ایشان به رعایت مسائل و نکات حفاظتی و اطلاعاتی دارد. واژه‌هایی مانند عین، مطلع، رقیب، مراقبت، طلائع و شرع مقدس حکم می‌کند که اسرار، راهبرد و استراتژی حکومت اسلامی را هرچند به نظر کوچک و بی‌ارزش آید افشا نکرده و در حفظ و کتمان آن بکوشیم و حرکت خصمانه و تهدید دائم دشمن را با هوشیاری رصد کنیم. بخشی از این سیره و روش در مکتب تشیع به شکل تقیه در زندگی امامان معصوم مشهود است. امیرالمؤمنین برای حفظ کبان شیعه و ایجاد امنیت شیعیان در مقابل حاکمان جور روش‌هایی تعلیم می‌دادند که زمینه‌ساز حفظ جان، سرمایه، دین و باورهای شیعی بود. این روش‌ها برای به‌دست آوردن اطلاعات از حاکم ظالم گاه حفاظتی و گاه اطلاعاتی بود که توسط سایر ائمه نیز ادامه یافت (جتی، ۱۳۹۴: ۹).

از سویی دیگر روشن است که هر نظام سیاسی مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه خویش را ایجاد، پاسداری، پایداری و ارتقای امنیت ملی می‌داند و بدین منظور از راهبردها و راهکارهای متفاوتی استفاده می‌کند، در واقع دفع خطر و تهدید و حفظ و توسعه امنیت توسط هر نظام نه‌تنها معقول و پسندیده بلکه مطلوب بوده و مطالبه می‌شود، نظام سیاسی اسلام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به‌منظور تمرکز بر ابعاد و مؤلفه‌های امنیتی مورد تأکید در این نظام، پژوهش پیش‌رو بر تنها دورانی که امامان شیعه زمامدار سیاسی بوده‌اند؛ یعنی دوران زمامداری امیرالمؤمنین علی (ع)؛ معطوف شده است تا به این ترتیب ضمن پرداختن به چنین خلاء پژوهشی بتواند چراغ راهی نیز برای اسلام اندیشان امنیت پژوه برافروزد و طرحی نو دراندازد. به این منظور نگاه پژوهشی بر یکی از مهم‌ترین

نامه‌های حضرت امیر به مهم‌ترین و سیاسی‌ترین فرمانده خویش یعنی مالک اشتر نخعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در وصف مالک اشتر نیز برخی بزرگان گفته‌اند: «مالک برای علی همان بود که علی برای پیامبر اکرم» (جعفری، ۱۳۷۳: ۹) لذا مخاطب بودن مالک در نامه ۵۳ به معنای به اوج رسیدن تمام مفاهیم و فرامین و سفارشات حضرت می‌تواند باشد که چه بسا در خطابی دیگر یافت نشود. نکته دیگر این که چنین نامه‌ای را به هیچ وجه نمی‌توان مختص مالک و جامعه مصر دانست بلکه می‌بایست با بررسی آن مفاهیم، راهکارها و روش‌های مدیریت و رهبری اسلامی جوامع بشری را استخراج نمود و به کار بست.

این پژوهش با رجوع به منابع تاریخی و روایی و با تمرکز بر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی و متمرکز بر این سه سؤال که: ۱. ابعاد حفاظتی مورد تأکید امیرالمؤمنین در سفارش به حاکم اسلامی کدام است؟ ۲. چه مؤلفه‌هایی برای تبیین هر یک از ابعاد به کار رفته است؟ ۳. کدام بعد حفاظتی بیش از سایرین مورد توجه حضرت بوده است؟ ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی را استخراج نموده و به تبیین و تشریح آن می‌پردازد و با بررسی فراوانی اوامر امیرالمؤمنین (ع) ضمن احصای ابعاد و مؤلفه‌ها، مهم‌ترین و مؤکدترین آن را نیز نمایان خواهد کرد.

مبانی نظری

پیشینه تحقیق

اگرچه مبحث امنیت و حفاظت از آن در زمره نیازهای اولیه بشر بوده و هست لیکن پرداختن پژوهش محور به آن و تدوین نظریه‌ها و مکاتب و رویکردها و و در یک کلام تولید و توسعه ادبیات و مطالعات امنیتی به دوران پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. در این میان حسب رخدادهای جهانی و نگاه غرب‌گرایانه به انواع دانش و مهارت، تحلیل اسلامی به موضوعات مختلف و از جمله امنیت آن گونه که بایسته و شایسته است صورت نگرفته و باید گفت در برخی موارد مغفول مانده است. در همین زمینه آثاری از جمله «سیره اطلاعاتی امیرالمؤمنین (ع)» به قلم مرتضی جنتی، «حکمت اصول سیاسی اسلام» از علامه محمد تقی جعفری، «سیره حفاظتی و اطلاعاتی امامان معصوم (ع)» نوشته محمد شبیدینی و «اطلاعات و حفاظت اطلاعات در سیره نبوی

و علوی» تألیف حسین ملایی به چاپ و نشر رسیده است لیکن طبق بررسی اسنادی که در چارچوب این مقاله به انجام رسیده است می‌توان گفت پرداختن به ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی در نهج البلاغه آن هم متمرکز بر نامه‌ای خاص و با استفاده از روش‌های علمی امری است که تاکنون انجام نشده و پژوهش پیش‌رو از این حیث نو و جدید محسوب می‌گردد.

روش تحقیق

روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی است و گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی صورت می‌گیرد. در این پژوهش فرمایشات امیرالمؤمنین(ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه به‌عنوان واحد تحلیل در نظر می‌باشد. عبارات حضرت پس از معنا شناسی و مفهوم‌یابی به‌عنوان شاخص مد نظر قرار می‌گیرد و مطابق با شاخص‌ها، مقوله‌یابی و سپس ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی مورد تأکید امام علی(ع) احصا می‌گردد.

مفهوم‌شناسی تحقیق

- نهج البلاغه

کتاب نهج البلاغه گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های حضرت علی (ع) است که توسط سید رضی در قرن چهارم هجری قمری بر اساس ذوق ادبی خویش فراهم آمده است. در این مقاله نگاه پژوهشی بر نامه ۵۳ این میراث گران‌بهای اسلام و تشیع معطوف است. نامه ۵۳ طولانی‌ترین پیمان‌نامه‌ای است که از جانب امیرالمؤمنین علی (ع) برجای مانده است. این نامه دربرگیرنده اساسی‌ترین مباحث در حکومت و مدیریت است، مباحثی شامل: مبانی، اصول، روش‌ها، سیاست‌ها و اخلاق حکومتی و مدیریتی آن‌هم با استوارترین و متین‌ترین زبان، زیباترین و لطیف‌ترین بیان و عمیق‌ترین و کاراترین فرمان. همان عهدی است که آن حضرت به هنگام برگزیدن مالک اشتر به ولایت مصر برای وی نوشته و در این نامه پیرامون ادارات مختلف دولتی و حکومتی و شیوه‌های گوناگون مدیریت آن‌ها سخن می‌گوید. حضرت علی (ع) در این نامه پیرامون ملت، حاکم، شورا، علماء، فرماندهی سپاهیان، لشکریان، مالیات، قضاوت، استقلال آن، کارگزاران و خواسته‌های آنان،

گزینش رجال دولت و وزرا، طبقات جامعه، صنعت و تجارت و صلح و امثال آن سخن می‌گوید. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۴۰۳) همان‌گونه که از تعاریف مذکور نیز دریافت می‌شود پیرامون ابعاد امنیتی و حفاظتی این نامه سخنی به میان نیامده است و امید است که در این پژوهش به حد مستطاع، این خلأ پژوهشی رفع گردد.

- حفاظت

در فرهنگ دهخدا حفاظت به معنای نگهداری، پوشاندن و حفظ کردن است (دهخدا، ۱۳۵۵، ج ۳: ۱۰۷). همچنین در فرهنگ معین به معنای نگاهداری کردن، نگاه بانی کردن، سرنگه داشتن آمده است. (معین، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۱) از بعد اصطلاحی حفاظت عبارت است از کلیه اقداماتی که برای حفظ و نگهداری تأسیسات، اسناد و مدارک، اخبار و اطلاعات کارکنان، مخبرات و سایر موضوعات حیاتی کشور در برابر خطرات ناشی از جاسوسی، براندازی، خرابکاری، سرقت و ... به عمل آمده و در سایه آن، از دسترسی افراد غیرمجاز به موارد فوق جلوگیری می‌نمایند. (رستمی، ۱۳۷۸: ۳۵۸) به کلیه اقداماتی گفته می‌شود که برای تأمین امنیت و حفظ اطلاعات در قبال تهدیداتی چون جاسوسی، خرابکاری و براندازی صورت می‌گیرد و از دسترسی عامل غیرمجاز به اطلاعات جلوگیری می‌کند (گروه مؤلفین، ۱۳۹۱: ۱۲).

- ابعاد حفاظتی

سه دوری، جهت، ویژگی، دوری‌های سه‌گانه جسم طول و عرض و عمق. (دهخدا، ۱۳۵۵: ۱۰۰) به یک اندازه یا پارامتر گفته می‌شود که برای تعریف ویژگی‌های یک پدیده به آن نیازمندیم، برای نمونه طول، عرض، ارتفاع و عمق. در این تحقیق منظور از ابعاد حفاظتی، حفاظت در اهداف مرجع از جمله حفاظت کارکنان و خانواده، حفاظت اسناد و مدارک، حفاظت اماکن و تأسیسات، حفاظت سلاح و مهمات، حفاظت تجهیزات نظامی و حفاظت مخبرات می‌باشد.

- مؤلفه‌های حفاظتی

نشانه، معرف، کتاب و رساله نوشته شده (دهخدا، ۱۳۵۵:۷۰۳) عناصر یا اجزای تشکیل دهنده یک چیز یا عبارت که بدون داشتن آن‌ها نمی‌توانیم آن چیز یا عبارت را تجزیه و تحلیل کنیم. (واژه‌نامه پارسی ویکی) منظور از مؤلفه حفاظتی در این پژوهش زیر بخش‌های هر یک از اهداف مرجع است.

حفاظت کارکنان

یکی از اقدامات تدافعی (غیرعامل) است که به منظور حفظ امنیت و جلوگیری از نفوذ و رشد عوامل دشمن و افراد مخالف و غیرمجاز به هدف‌های مورد حفاظت و نیز پیشگیری از اغفال و انحراف کارکنان و دفع عناصر ناصالح و نامطلوب انجام می‌گیرد (گروه مؤلفین، ۱۳۹۱: ۱۲۲). خداوند متعال نیز در آیات مختلف قرآن کریم به عنوان یک اصل، موضوع انسان و پیشگیری از آسیب‌ها و گناهان را مورد تأکید قرار می‌دهد و بدین منظور فرشتگان حفاظت کننده را برای اشرف مخلوقاتش نیز به کار می‌گمارد و می‌فرماید: ﴿لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّن بَيْن يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾ (عد-۱۱) «آدمی را مأمورانی است که پی‌درپی از پیش رو و از پشت سر او را به فرمان خدا [از حوادث غیر حتمی] حفظ می‌کنند». گاهی نیز خداوند متعال خود متولی حفاظت و حراست از مخلوق خویش می‌شود آنجا که خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ (مائده-۶۷) «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً به مردم برسان و چنانچه این کار را به انجام نرسانی رسالت خود را به انجام نرسانده‌ای و خداوند تو را از گزند مردمان در امان نگاه می‌دارد». بنابراین آنگاه که سخن از حفاظت کارکنان در میان می‌آید در واقع حراست از انسان مدنظر خواهد بود. لذا مورد توجه قرار دادن انسان از منظر امام علی (ع) که ندای عدالت بشری^۱ است مغفول نمانده و ایشان در تنها نامه خویش به مالک اشتر جهت تحقق چنین بعدی به مؤلفه‌های متعددی اشاره کرده‌اند.

^۱ رک: جورج جرداق، علی صوت العدالة الإنسانية.

۱. رازداری

به معنای سر نگه‌داشتن، آنچه باید در دل نهفته باشد و چیزی که باید پنهان بماند یا به اشخاص مخصوصی گفته شود (گروه مؤلفین، ۱۳۹۱: ۸۵) یکی از صفات خداوند نیز رازداری و پرده‌پوشی و در واقع ستار العیوب بودن است. انسان که جانشین خداوند است باید همانند آفریننده خود رازدار و پرده‌پوش باشد. رازداری از خصلت‌های الهی بوده و جزء اوصاف مؤمنین کامل، نشانه کمال عقل و به‌عنوان منبع خیرات شناخته شده است. انسان رازدار، وفادار و امین است که با حفظ اسرار، موقعیت خود را حفظ کرده و آبرو و ناموس دیگران را نیز محترم می‌شمارد (جنتی، ۱۳۹۴: ۴۳). حضرت علی (ع) در این باره به مالک اشتر هشدار داده و می‌فرماید:

«وَلْيَكُنْ أَبَعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ أَطْلُبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَوْلِيَّ أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِمَّا عَلَيْكَ تَطْهِيرٌ مَا ظَهَرَ لَكَ وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سَتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ» «از مردم آنان را که عیب‌جو ترند از خود دور کن زیرا انسان‌ها عیب‌جوی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن (رازداری) از همه سزاوارتر است، پس مبدا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی، و آنچه هویداست بیوشانی، که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان است، پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بیوشان، تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو ببوشاند». رازداری و سرپوش گذاری بر اسرار مردم و عیوب انسان‌ها یکی از وظایف حاکم و از اصول حیاتی و انسان‌ساز اسلام است. در همین زمینه از قول امام صادق (ع) به نقل از رسول‌الله (ص) ذکر شده است: «لغزش‌های مؤمنان را جست‌وجو نکنید زیرا هرکس که لغزش‌های برادرش را جست‌وجو کند، خداوند لغزش‌هایش را دنبال می‌کند، و هرکس را که خداوند لغزش‌هایش را دنبال کند، رسوایش می‌سازد، گرچه در درون خانه‌اش باشد» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۳: ۱۱۸). البته توجه امیرالمؤمنین به رازداری منحصر به نامه ۵۳ نیست، ایشان در سایر فرمایشات خویش نیز بر این مفهوم به‌عنوان یک رفتار اسلامی تأکید دارند و می‌فرمایند: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ» «زبان عاقل در پشت قلب اوست، و قلب احمق در پشت زبانش قرار دارد» (نهج البلاغه: حکمت ۴۰) در این حکمت امام علی (ع) رازداری را ملاکی برای تشخیص و شناخت عاقل از احمق معرفی می‌کند. همچنین می‌فرماید: «سِرُّكَ أَسِيرُكَ فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ» «راز تو اسیر توست، پس

اگر آن را فاش نمودی، تو اسیر او گشته‌ای» (تمیمی‌آمدی، ج: ۴، ۱۴۶) و نیز از گفتار آن حضرت است: «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَ الْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ وَ الرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ» «پیروزی در دوراندیشی و دوراندیشی در به‌کارگیری صحیح اندیشه و اندیشه صحیح به رازداری است.» (نهج‌البلاغه: حکمت ۴۸). تأکید بر رازداری در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام قابل دریافت است از آن جمله می‌توان به فرمایش امام صادق (ع) اشاره نمود، آنجا که در توصیه به نوع بشر می‌فرمایند: «سِرِّكَ مِنْ دَمِكَ فَلَا يَجْرِيَنَّ مِنْ غَيْرِ أَوْدَاجِكَ» «راز تو خون توست پس هرگز جز در شاه‌رگ خودت نباید در جریان باشد» (مجلسی، ج ۷۲: ۷۱) شخص امیرالمؤمنین نیز خود به‌مثابه رازدار پیامبر (ص) ایفای نقش می‌کرده است. پیغمبر اسلام در یکی از توصیفات امام علی (ع) می‌فرمایند: «صَاحِبُ سِرِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» «رازدار و صاحب سر من علی بن ابی‌طالب است» (همان، ج ۳۸: ۳۰۰).

بنابر آنچه آمد رازداری از منظر امام علی (ع) هم از جنبه فردی مورد تأکید است و هم از جنبه اجتماعی؛ در بعد فردی آدمی می‌بایست حریم خود را رعایت کرده تا اسیر اسرارش نشود، در بعد اجتماعی می‌بایست هم در قبال اسرار کاری و هم در قبال اسرار سایر انسان‌ها رازدار باشد، به‌نحوی که از جمله صفات امیرالمؤمنین «رازدار رسول اکرم (ص) بودن» است. این نکته زمانی به اوج می‌رسد که آن حضرت حفظ اسرار را به‌عنوان یک ویژگی والی و حاکم اسلامی به مالک اشتر توصیه و تأکید می‌کند و والی را واجب‌ترین و واجدترین اشخاص در رازداری افراد و جامعه تحت امر برمی‌شمرد.

۲. نظارت و بازرسی

به معنای نگرستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن، تحت نظر و دیده‌بانی داشتن کاری، بازرینی و واریسی آمده است (دهخدا، ۱۳۵۵، ج ۱۴: ۱۲۳). اصولاً از منظر قرآن کریم آدمی همواره در معرض نظارت آشکار و نهان الهی است، گاه این نظارت به‌واسطه سایر مخلوقات انجام می‌پذیرد: ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق-۱۸) «انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است»؛ گاه ذات اقدس باری تعالی این نظارت را مستقیماً اعمال می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ

وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنَسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾ (نساء-۱) «ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند مراقب اعمال شماست» و نیز: ﴿وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا﴾ (احزاب-۵۲) «خداوند ناظر و مراقب هر چیز است»؛ گاه نیز این نظارت از نوع پنهان است: ﴿يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ أُولُو مَا لَمْ يَتَّأَلَوْا﴾ (توبه-۷۴) «به خدا سوگند می‌خورند که (در غیاب پیامبر سخنان نادرست) نگفته‌اند درحالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته‌اند (نظارت پنهان) و پس از اسلام آوردنشان، کافر شده‌اند و تصمیم (به کار خطرناکی) گرفتند، که به آن نرسیدند» (برگرفته از: کارگروه فقه اطلاعات، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

در همین راستا امیرالمؤمنین علی (ع) خطاب به مالک اشتر نخعی می‌فرماید: «ثُمَّ تَقَدَّ أَعْمَالُهُمْ وَابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ» «سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسان و ناظران راست‌گو، و وفایه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود». هر انسان و هر سازمان انسانی نیازمند نظارت، بازرسی و پیگیری امور است. نظارت بر عملکرد کارگزاران و مسئولان و بازرسی امور، پیگیری کارهای انجام‌شده و درست انجام‌نشده از مهم‌ترین اموری است که باید در هر سازمان به‌دقت صورت گیرد تا نظام امور از گردش سالم و استوار برخوردار گردد و کجی‌ها و ناراستی‌ها به‌موقع شناخته و اصلاح شود. گذشته از این حقیقت کلی و فراگیر قدرت و اختیار در امور، آدمی را در معرض وسوسه‌هایی سخت و شدید قرار می‌دهد چنان‌که کم نبوده‌اند مردمانی نیک که چون در مصدر امور قرار گرفته‌اند، از راه و رسم نیک پیشین خود دور شده‌اند و به خودکامگی میل کردند یا به دلیل عدم نظارت و مراقبت درست و دقیق در کارها و اعمال و رفتارشان هرگونه خواسته‌اند، خودسرانه عمل کرده‌اند و با مردم ستمگرانه رفتار نموده‌اند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۴۶۲) در این کلام نورانی امام علی (ع) نظارت مخفی بر امور کارکنان و فرماندهان را موجب پاسداشت حقوق مردم و ملایمت با آنان عنوان می‌نماید. فلسفه

نظارت و بازرسی، بی‌اعتمادی به مجموعه اداره شونده نیست بلکه از آموزه‌های امیر مؤمنان حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه و عهدنامه مالک اشتر می‌توان دریافت که فلسفه نظارت و بازرسی عبارت است از دیدن زحمات و خدمات، پیگیری نحوه انجام شدن امور، کمک کردن به مجموعه اداره شونده در صورت نیاز به کمک، پی بردن به ضعف‌های مجموعه و اصلاح آن، اصلاح خطاهای پیش‌آمده، ایجاد پیشگیری (بازدارندگی) از خلاف و مشخص شدن تخلف‌ها (همان: ۴۶۹). لازم است نظارت و بازرسی به روش‌های مختلف با توجه به شرایط و اوضاع و احوال روز سامان یابد. از مجموعه آموزه‌های امیرالمؤمنین (ع) و عملکرد حکومتی آن حضرت می‌توان دریافت که ایشان به دو روش کلی نظارت سفارش و عمل کرده‌اند: نظارت آشکار و نظارت پنهان.

- نظارت و بازرسی پنهان

آن حضرت در نامه ۵۳ خطاب به والی مصر مالک اشتر پیرامون عمل به نظارت پنهان و گماردن ناظرانی به این منظور امر کرده و چنین می‌فرماید: «وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لَأْمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ» «با اعزام مأموران مخفی، راست‌گو و باوفا، کارهای آنان را زیر نظر بگیر زیرا بازرسی مداوم و پنهانی سبب می‌شود که آن‌ها به امانت‌داری و مدارا کردن به زیردستان ترغیب شوند.» در این سفارش ضمن دستور به انجام نظارت پنهانی، حضرت فواید این امر مهم را برشمرده و می‌فرماید این عمل موجب رعایت امانت و مدارای با زیردستان می‌شود. آری اگر عملکرد مسئولان کنترل نشود، امکان خیانت و ظلم به زیردستان وجود دارد. امام علی (ع) در این فراز از نامه ۵۳ بر ویژگی‌های مأموران مخفی نیز اشاره کرده و می‌فرماید باید مأموران مخفی از میان افراد راست‌گو و درستکار و وفادار انتخاب شوند «مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَ الْوَفَاءِ» لازم است اینان از نظر راستی و راست‌گویی و وفاداری برترین اشخاص باشند، زیرا نظارت و بازرسی کسانی ارزش دارد که آنان واجد چنین ویژگی‌هایی باشند و نیز آن کسان که امین و مورد اعتمادند و جز حق نمی‌گویند. باید توجه داشت که حضرت علی (ع) ضمن سفارش به دقت در انتخاب بازرسان مخفی و اطمینان به سلامت روحی و اخلاقی آنان با زهم زمامداران را دعوت می‌کند که هر کاری را از مجاری مختلف دنبال کنند تا هرگاه یک گزارش از چند مجرا مورد تأیید و اتفاق نظر قرار گرفت برای زمامدار شکی در صحت و پذیرش آن وجود

نداشته باشد. معنای این سخن آن است که با تمام شرایطی که برای انتخاب بازرسان وجود دارد: اولاً گزارش هیچ‌کدام به‌تنهایی حجت نیست و ثانیاً هرگاه در یک گزارش اتفاق قول و نظر نباشد درباره آن تحقیق و بررسی بیشتری انجام خواهد گرفت. گذشته از این‌ها گزارش دروغ یک بازرس نیز در حکم همان خیانت و سوءاستفاده مأموران دولتی است که به‌نوبه خود مجازات شدید و ننگ و رسوایی در جامعه را به‌دنبال خواهد داشت. (فاضل لنگرانی، ۱۳۷۳: ۱۶۱) پیرامون فلسفه این کار نیز می‌فرماید چون کارگزاران احساس کنند مأموران پنهانی اعمالشان را به زمامدار گزارش می‌دهند از یک سو به کارهای نیک تشویق می‌شوند و از سوی دیگر لازمه آن این است که خود را از خیانت و بدرفتاری به مردم برکنار می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ج ۱۱: ۲۳).

- نظارت و بازرسی آشکار

این نوع از نظارت را آن حضرت به تمامی والیان خود سفارش کرده‌اند؛ در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود به نام کعب بن مالک به وی فرمان داده است که منطقه‌ای را به شیوه مستقیم و آشکار بازرسی نماید و از اعمال و رفتار و راه و رسم کارگزاران در آن منطقه جویا شود: «اما بعد، شخصی را به‌جای خود به‌عنوان جانشین قرار داده و خود به همراه گروهی از یارانت برای بازرسی و نظارت بر عملکرد کارگزاران و مسئولان به همه مناطق روانه شوید و تمام سرزمین سواد (عراق) را منطقه به منطقه بگردید و از چگونگی رفتار و اعمال کارگزاران جویا شوید و سیره آنان را مورد بررسی و پیگیری قرار دهید.» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۷) در این دستورالعمل نکاتی مهم در نظارت و بازرسی آشکار دیده می‌شود از جمله این که امام (ع) برای نظارت و بازرسی از یک استان، شخصی باتجربه را که در آن سطح بوده فرستاده است؛ برای نظارت و بازرسی یک گروه اعزام شده‌اند که ممکن است از جهت تقسیم کار باشد یا نظارت و بازرسی از جهات گوناگون. در نظارت و بازرسی همه‌جا و همه چیز باید وجوب‌به‌وجوب مورد بررسی قرار گیرد، در نظارت و بازرسی لازم است از مردمان درباره عملکرد کارگزاران و مسئولان پرسش شود، لازم است راه و رسم و روش‌های مدیریتی مورد بازرسی، دیده و تحت نظر گرفته شود و به‌خوبی بررسی گردد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۴۷۹) ثمره این مراقبت دائم همان است که امیر مؤمنان (ع) به آن اشاره کرد که: «فَإِنَّ تَعَاهِدَكَ فِي السَّرِّ لِأَمْوَرِهِمْ حُدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ

الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ» «اگر آنان احساس کنند عیونی مراقب آنان است در انجام وظیفه و برخورد شایسته با مردم و زیردستان دقت بیشتری خواهند داشت». (نهج البلاغ، نامه ۵۳) علاوه بر ویژگی‌های کلی که برای تمام کارکنان مطرح است، امیر مؤمنان علی (ع) بر ویژگی‌هایی در مورد خود ناظران و بازرسان نیز تأکید می‌نمایند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۴۶۵).

آن حضرت با حضور در جامعه شخصاً مسائل را پیگیری می‌کردند و به کارگزاران خود نیز توصیه می‌کردند که با حضور در میان مردم مسائل را مستقیماً پیگیری کنند: «وَأَمَّا بَعْدُ فَلَا تُطَوَّلَنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ احْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضَّبِيحِ وَ قَلَّةٌ عِلْمٌ بِالْأُمُورِ وَالْاِحْتِجَابُ مِنْهُمْ يَقْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا احْتَجَبُوا دُونَهُ فَيَصْغُرُ عِنْدَهُمُ الْكَبِيرُ وَيَعْظُمُ الصَّغِيرُ وَيَقْبُحُ الْحَسَنُ وَيَحْسُنُ الْقَبِيحُ وَيُشَابُّ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ» «مبادا خویش را از رعیت فراوان پنهان کنی که پنهان شدن والیان از رعیت، نمونه‌ای است از تنگ‌خویی و نامهربانی و کم‌اطلاعی در کارها و نهان شدن از رعیت، والیان را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است بازمی‌دارد. پس کار بزرگ نزد آنان خرد و کوچک به شمار می‌آید و کار کوچک بزرگ می‌نماید. زیبا زشت شود و زشت زیبا گردد و باطل به لباس حق درآید». (نهج البلاغ، نامه ۵۳)

امیرالمؤمنین (ع) در آن ایامی که در کوفه بود چنین عادت داشت که هر روز صبح از دارالاماره خود بیرون می‌آمد و در یکایک بازارهای کوفه می‌گشت و تازیان‌های دوشاخه به نام السبیه به همراه داشت، در هر بازاری می‌ایستاد و در میان آنان صدا می‌زد: «ای تاجران! پیش از دادوستد از خداوند خیر و نیکی طلبید و با آسان‌گیری در معامله از خداوند برکت جوید و به خریداران نزدیک شوید (گران نفروشید که از شما بگریزند) و خود را به زینت حلم و بردباری آرایش دهید و از سوگند خوردن خودداری کنید و از دروغ پرهیزید و از ستم‌کناره‌گیری، و با مظلومان به انصاف رفتار نمایید و به رباخواری نزدیک نشوید و پیمان‌ها را کامل بدهید (کم‌فروشی نکنید)» (فاضل لنگرانی، ۱۳۷۳: ۱۷۱) در واقع حضرت با این کار شخصاً بر روند بازار و اقتصاد بازرسی، نظارت و پیگیری آشکار و چهره به چهره داشته‌اند.

۳. گزارش‌های مردمی

اطلاعات مردمی همان‌طور که از نامش پیداست به آن دسته از اخبار و اطلاعات امنیتی اطلاق می‌گردد که توسط اقشار طرفدار نظام حاکم، به‌صورت داوطلبانه در اختیار حکومت قرار می‌گیرد.

(گروه مؤلفین، ۱۳۸۶: ۵۳) در قرآن کریم سوره قصص آیه ۲۰ به تعبیر لطیفی از گزارش مردمی اشاره شده است: ﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ﴾ «(در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر (مرکز فرعونیان) آمد و گفت: ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشست‌اند فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توام.» (کارگروه فقه اطلاعات، ۱۳۹۰: ۱۰۹) در همین زمینه امیرالمؤمنین در خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ اَعْلَمَ يَا مَالِكُ اَنِّي قَدْ وَجَّهْتُكَ اِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دُوْلٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلِ وَ جَوْرِ وَ اَنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ اُمُورِكَ فِي مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ اُمُورِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ وَ يَقُولُونَ فِيكَ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِيهِمْ» «پس ای مالک بدان من تو را به سوی شهرهایی فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل یا ستمگری بر آن حکم راندند، و مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری، و درباره تو آن می‌گویند (می‌نویسند، گزارش می‌دهند) که تو نسبت به زمامداران گذشته می‌گویی.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) تعبیر «وَيَقُولُونَ فِيكَ» از جانب حضرت علی (ع) می‌تواند اشاره به این موضوع داشته باشد که تو ای مالک همواره در معرض بررسی و قضاوت و گزارش‌های مردمی هستی و بایستی چنان با آنان برخورد نمایی که دوست داری با تو رفتار نمایند. علی (ع) برای جلوگیری از خود فراموشی که باعث عجب، خود بزرگ‌بینی و خود برتربینی نیز می‌گردد، مالک را به گذشته‌های نه‌چندان دورش متوجه می‌سازد و گوشزد می‌کند که تا دیروز تو و امثال تو، اعمال و رفتار مسئولان را زیر نظر داشتید و از آنان انتقاد می‌کردید، امروز آنان اعمال و رفتار تو را زیر سؤال قرار خواهند داد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۳: ۷۶) در ادامه همین فراز از نامه می‌فرماید: «إِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ» تنها با سخنانی که خدا درباره شایستگان بر زبان بندگان جاری ساخته (سخن، اطلاع دهی‌ها) می‌توان به صلاحیت و شایستگی آنان راه برد. «البته می‌توان کلام را به خود نظارتی و خودمراقبتی نیز تعبیر کرد و بیان داشت که مقصود حضرت می‌تواند این باشد که به‌گونه‌ای از اعمال خودت مراقبت کن که مردمان درباره تو سخنان نیک بر زبان جاری کنند و یا این که پیش از مورد قضاوت قرار گرفتن از سوی مردم خودت در احوال و اعمال خویش بنگر.

به هر روی حضرت علی (ع) از گزارش‌های مردمی و جمع‌آوری اخبار به‌واسطه مردم عادی بهره می‌بردند؛ به‌عنوان مثال در جنگ صفین همسر یکی از افراد لشکر معاویه به نام هیشم بن اسود که برخلاف شوهر عثمانی‌اش، علوی بود اخبار و گزارش‌های مربوط به معاویه را می‌نوشت و به گردن اسب می‌آویخت و آن را به سوی حضرت علی (ع) روانه می‌کرد (واقعی، ج ۱: ۱۳۶۹: ۲۰۳).

۴. پیشگیری

در لغت به معنی پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن، شناختن، آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن آمده است. (عمید، ۱۳۹۰: ۳۵۷) در اصطلاح هر رشته‌ای از علوم، پیشگیری با موضوع آن ترکیب می‌شود چنانچه در حقوق جنایی پیشگیری از وقوع جرم، در پزشکی از بیماری و در مورد وقایع اتفاقیه پیشگیری از وقوع حادثه مطمح نظر است. (اسعدی، ۱۳۸۹: ۱۲۲) در زمینه‌های امنیتی پیشگیری عبارت است از مجموعه اقدامات آینده‌نگر برای جلوگیری از وارد آمدن آسیب‌های احتمالی؛ جلوگیری از ایراد ضربات سهمگین که در نتیجه جاسوسی عوامل و مزدوران دشمن متوجه میهن اسلامی می‌شود و اجرای عکس‌العمل تقابلی به‌نحوی که ضمن به‌دست گرفتن ابتکار عمل، بیگانه را به لاک دفاعی فرو برد تا از تجاوزات دامنه‌دار و گسترده‌اش دست بردارد (گروه مؤلفین، ۱۳۸۳: ۱۲۵ و ۱۲۶).

حضرت علی (ع) در همین زمینه در نامه خود خطاب به مالک اشتر تأکید می‌فرماید: «ثُمَّ أَسْبَحَ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَعَنْتَى لَهُمْ عَن تَتَاوُلِ مَا تَحْتِ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ» «سپس روزی (حقوق) فراوان بر آنان ارزانی دار. با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی بر آنان است که اگر فرمانت را نپذیرفتند یا در امانت تو خیانت کنند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) در هر نظامی تأمین زندگی کارکنان از امور حیاتی آن نظام شمرده می‌شود، بدون توجه به این امر انتظار گردش درست کارها، توفیقی نادرست است. تنگناهای زندگی هر انسانی را وسوسه می‌کند و ممکن است زیر فشار سخت معیشتی دست به نادرستی و دوری از امانت‌داری بیالایند پس نظام اداری و حکومتی باید به‌گونه‌ای باشد که کارکنان آن از نظر زندگی و معیشت تأمین باشند و امنیت لازم از این حیث برایشان فراهم گردد تا زمینه خیانت و ستمگری

و تخلف مسدود شود و راه اصلاح و خدمتگزاری گشوده گردد. بسیاری از جرائم رایج مانند ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، اخذ پورسانت، اخاذی و سوءاستفاده از موقعیت توسط کارکنانی انجام می‌گیرد که با تأمین مالی مناسب آن‌ها از وقوع این جرائم و تخلفات تا حد زیادی پیشگیری خواهد شد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۵۹) حضرت علی (ع) رسیدگی به امور مادی و رفع نیازهای معیشتی کارکنان را یکی از ارکان مهم مدیریت و عامل اساسی برای جلوگیری از خیانت و دستبرد زدن به بیت‌المال و رشوه‌خواری و پایمال کردن حق و از هم پاشیده شدن نظام جامعه می‌داند و هشدار می‌دهد که اگر نیازهای مادی کارمندان تأمین شده باشد بهانه‌ای برای دزدی و خیانت و رشوه‌خواری نخواهند داشت و در صورتی که دست به چنین کاری بزنند، در مقابل رهبر جامعه بی‌عذر و سرافکننده خواهند ماند و هیچ توجیهی برای دفاع از خود نخواهند داشت. اما اگر نیازهای مادی آنان تأمین نشده باشد فشار احتیاج آن‌ها را از راه راست منحرف می‌سازد و روحیه امانت‌داری را در آنان متزلزل می‌کند و زمامدار نیز حجتی بر آنان نخواهد داشت زیرا سرقت و خیانت خود را توجیه می‌کنند و گناه آن را به گردن زمامداری که آن‌ها را در محرومیت و نیازمندی نگاه داشته و در عین حال اموال مردم را زیر دستشان قرار داده است خواهند انداخت (فاضل لنگرانی، ۱۳۷۳: ۱۵۸).

۵. خودحفاظتی و خودکنترلی

نیاز و ضرورت وجود کنترل و نظارت از آغاز شکل‌گیری نهادها و سازمان‌ها، مطمح نظر مدیران بوده است. اهمیت این موضوع منجر به ارائه دیدگاه‌ها و نظریات مختلف در خصوص چگونگی کنترل و نظارت گردیده است. به موازات اهمیت یافتن نقش انسان در دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان‌ها، نظام کنترل و نظارت مشارکتی دچار تحول شده به گونه‌ای که امروزه اهداف و منافع سازمان به سلامت و صیانت نیروهای انسانی گره خورده است. به تعبیر دیگر، این اعتقاد شکل گرفت که خودکنترلی و خودمدیریتی پیش‌نیاز اساسی مدیریت اثربخش است. به همین جهت نظام‌های جدید کنترلی تحت عناوین: خودمدیریتی، خودکنترلی، خود انضباطی و ... مورد توجه نظریه‌پردازان مدیریت نوین قرار گرفت (باقری و عابدینی، ۱۳۹۰: ۲۱).

خودحفاظتی، خودکنترلی یا خودمراقبتی در یک تعریف، حالتی در وجود فرد است که او را به انجام وظایفش ترغیب می‌نماید بدون آن که عامل خارجی او را تحت کنترل آورد (الوانی، ۱۳۷۹: ۲۸). به این ترتیب می‌توان گفت این ویژگی رفتاری یک فرآیند درونی در عامل انسانی است که منجر به کنش و واکنش هوشیارانه، متعهدانه و مسئولانه او در ایفای نقش حفاظتی سازمان‌های امنیتی، نظامی و انتظامی برای صیانت از خود و سازمان شده و حذف یا کاهش تهدیدات و خطرهای ناشی از محرک‌های بیرونی و وسوسه‌های درونی را به دنبال دارد. (باقری و عابدینی، ۱۳۹۰: ۷۰) حضرت علی (ع) در این زمینه در نامه ۵۳ خطاب به والی مصر می‌فرماید: «قَامِلُكَ هَوَاكَ وَشَحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشَّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ» «هوای نفس را در اختیار گیر، و از آنچه حلال نیست خویشتن‌داری کن به خود بخل بورز، بخل ورزیدن به نفس خویش آن است که در آنچه دوست دارد یا برای او ناخوشایند است راه انصاف پیمایی.» نظارت درونی بدان معناست که افراد بدون وجود عامل خارجی، خود مراقب اعمال خویش باشند. این نوع نظارت معمولاً نسبت به کارکنان و عوامل انسانی صورت می‌گیرد و بدین ترتیب تلاش می‌شود با تقویت وجدان کاری آن‌ها و ایجاد ایمان و اعتقاد به اهداف سازمان هر یک خود به نظارت از خویشتن بپردازد. هرچند وجود مهارهای بیرونی برای سرپرستان و کارگزاران ضروری است، اما کافی نیست و مهارسازی درونی کاری اساسی است. اگر قدرت از درون و بیرون مهار نشود سرکشی امری حتمی است. (همان: ۴۹) امیرالمؤمنین (ع) نیز با اشراف بر این موضوع به منظور راهنمایی مالک اشتر به سوی چنین ویژگی درونی و رفتاری او را به نفس و ذات خود توجه می‌دهد و بر آن است در والی خودآگاهی درونی ایجاد کند که منجر به رفتار بیرونی شود، باری اگر والی چنین کند طبعاً گروه تحت امر نیز خواه‌ناخواه مراقبت از خود را در سرلوحه اعمال خواهند داشت.

۶. عیب‌پوشی و غفران

در لغت به معنای چشم پوشیدن و درگذشتن از خطا و گناه کسی، بخشش و آمرزش است (عمید، ۱۳۹۰: ۵۰۷). در اصطلاح عیب‌پوشی، پرده بر بدی‌های مردم افکندن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱۲). خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۵۹ در سفارشی به پیامبر اکرم (ص) در زمینه عیب‌پوشی و غفران می‌فرماید:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِمْ لَانَفْسُوا مِن حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (ای پیامبر) به مهر و بخشایشی از خداست که برای ایشان نرم شدی، و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برای ایشان آموزش بخواه و با آنان در کار جنگ مشورت کن^۱، و چون بر کاری دل بنهادی بر خدا توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد. (برگرفته از: کارگروه فقه اطلاعات، ۱۳۹۰: ۵۱). در تأکید دیگری بر لزوم و کیفیت غفران خداوند متعال می‌فرماید: ﴿... وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ (حجر-۸۵) «... قیامت بی‌تردید آمدنی است پس به نیکویی درگذر و گذشت کن». حضرت علی(ع) در تذکر به چنین صفتی آن‌هم برای فرمانده و والی خود فروگذار نکرده می‌فرماید: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا صَارِيًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ، وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ، يَفْرَطُ مِنْهُمْ الزَّلَّةُ وَ تَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَّةُ وَ يُؤْتَى عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَ الْخَطَا فَاَعْظِمُهُمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ» «مهربانی با مردم و لطف و رحمت نسبت به آنان را پوشش دل خویش قرار ده و بر قلب خود بچشان. مبدا هرگز چونان حیوان درنده باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی. مردم دو دسته‌اند دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند [همچون تو انسان‌اند] لغزش‌هایی از آنان سر می‌زند، نقص‌هایی بر آنان عارض می‌شود، خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌گردند پس آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد» (نامه ۵۳) در واقع حضرت امیر با توصیه و امر به مالک برای بخشنده و مهربان بودن ضمن تأکید و تعلیم عیب‌پوشی و غفران به‌عنوان یک اخلاق عمومی، این صفت را یک خصیصه رهبری و مدیریتی و فرماندهی نیز معرفی می‌نماید. طبعاً هر انسان غیر معصومی ممکن الخطاست و معایبی از او سر می‌زند لیکن اگر انسان این حقیقت را بپذیرد که خود او نیز، بسان نظیر خویش در خلقت، بی‌عیب نیست از پرداختن به عیب‌های پنهانی دیگران بازمی‌ماند و اجازه چنین تعدی را به خود نمی‌دهد چنان‌که از امیر مؤمنان علی(ع) نقل شده است: «در پی عیب‌های مردمان مباش زیرا عیب‌هایی در خودت است که اگر خردمند باشی مانع از آن می‌شود که از کسی عیب‌جویی کنی» (تمیمی آمدی، ج ۶: ۱۳۶۶: ۳۹۲).

^۱ ترجمه با برگردان دقیق «شاورهم» می‌تواند «به آنان مشاوره بده» باشد که تقریباً در تمامی تراجم قرآنی «از آنان مشاوره بگیر» ترجمه شده است. (نویسنده مسئول)

امام علی(ع) در ادامه چنین اوامری خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِنَّهَا عَلَيْكَ تَطْهِيرٌ مَا ظَهَرَ لَكَ وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ» «لازم است عیوبی که بر تو پنهان است آشکار نسازی. وظیفه تو تنها این است که آنچه را بر تو ظاهر گشته اصلاح کنی و آنچه از تو مخفی مانده خداوند درباره آن داوری می‌کند. تا آنجا که در توان داری عیب‌پوشی کن تا خدا عیب تو را که دوست داری از مردمان پنهان باشد، بیوشاند». اگرچه این فراز از فرمایشات حضرت با ویژگی رازداری نیز همخوان است لیک رازدار و ساتر عیوب دیگران بودن به طریق اولی برآیند ویژگی عیب‌پوشی و غفران است بر این اساس رازداری بر اسرار مردم و عیوب آنان یکی از وظایف حاکم و از اصول حیاتی و انسان‌ساز اسلام است. حضرت علی(ع) برابر بیان این اصل اسلامی مالک را به سرپوش گذاشتن بر خطاها و عیوب مردمان تحت حکومت فرمان می‌دهد و از تحقیق و تجسس از اسرار پنهانی مردم بر حذر می‌دارد و می‌فرماید همچنان که خود نمی‌خواهی و حاضر نیستی که اسرار را کسی بداند، تو نیز حاضر به افشای اسرار پنهانی مردم نباش (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۳: ۱۱۸) نکته دیگری که می‌بایست به آن اشاره کرد این که امیرالمؤمنین حتی در مواردی که زشتی‌ها آشکار است و بروز و ظهور اجتماعی دارد نیز وظیفه حاکم اسلامی را اصلاح و ترمیم و پاک‌سازی می‌داند «عَلَيْكَ تَطْهِيرٌ مَا ظَهَرَ لَكَ» نه سرزنش و رسواسازی و از این دست اقدامات؛ شاید بتوان چنین توصیه‌ای را قله‌ای از قله‌های مکارم الاخلاق تعبیر کرد.

حفاظت اماکن

اماکن حساس یکی از اهداف مهم حفاظتی‌اند که درعین حال دیگر اهداف مانند اسناد و مدارک، تجهیزات، افراد و غیره در آن جای می‌گیرند. در واقع اماکن تنها هدفی‌اند که می‌توانند دیگر هدف‌ها را نیز در خود جای دهد و این ویژگی باعث تمایز آن از سایر موارد می‌شود. در مجموع کلیه اقداماتی را که به‌منظور حفاظت از اماکن و تأسیسات در مقابل خطرات احتمالی انجام می‌شود حفاظت اماکن می‌گویند. (گروه مؤلفین، ۸۶: ۵۷) حضرت علی(ع) در زمینه تأمین امنیت اماکن با نگاه شمول‌گرا و تلقی تمامیت سرزمین اسلامی به‌عنوان مکانی جغرافیایی که می‌بایست از آن حراست و

حفاظت به عمل آید در توصیه‌ای به مالک اشتر فرماید: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُضُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْأَوْلَادِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ... وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحاً دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضًا فَإِنَّ فِي الصَّلْحِ دَعَاً لْجُنُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمناً لِبِلَادِكَ» «پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راه‌ها به آن‌ها امن گردد. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد... هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن، که آسایش رزمندگان، و آرامش فکری تو، و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد.» تعبیر «سُبُلُ الْأَمْنِ» اشاره به ایجاد امنیت برای راه‌ها، اماکن، مرزها و ... توسط سپاهیان و رزمندگان اسلام دارد. سپاهییانی که به فرمایش ایشان باعث عزت دین هستند، تأمین‌کننده امنیت مردم و کشور هستند. در بیانی دیگر حضرت علی(ع) از امنیت کشور «أَمناً لِبِلَادِكَ» با پذیرش صلحی که خشنودی خدا نیز در آن لحاظ شود سخن به میان آورده‌اند، دین مبین اسلام بیش از هر چیز انسان‌ها را به صلح و سازش و زندگی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند و با شعار «الصَّلْحُ خَيْرٌ» صلح را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف عالی خود مطرح می‌سازد.

در کلام امیرالمؤمنین دو روش برای حفاظت از تمامیت سرزمین اسلامی به‌عنوان مکانی واحد توصیه می‌شود؛ یکی ایجاد و تداوم امنیت به‌واسطه نیروی نظامی و دیگری به‌واسطه صلح. بنابراین می‌توان گفت حضرت معتقد است در عین اقتدار نظامی و قدرت درونی می‌بایست قدم در راه صلح ولو با دشمن گذارد، نکته اینجاست که ایشان در زمینه سازش و مصالحه صرفاً به ذکر آن اکتفا نکرده بلکه در ادامه این موضوع را برای والی خود بیشتر تبیین کرده است: «وَلَكِنَّ الْحَدَرَ كُلَّ الْحَدَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلْحِهِ، فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ، فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَآتِهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ» «لکن زنهار! زنهار! از دشمن خود پس از آشتی کردن، زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند، پس دوراندیش باش، و خوش‌بینی خود را متهم کن.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

سرانجام این فراز از فرمایشات امیرالمؤمنین(ع) را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که جهت حفاظت اماکن قدرت نظامی و تکیه بر نیروی نظامی و امنیتی بدون قید و شرط خاصی مطرح نظر است، لیکن اگر به‌منظور تحقق امنیت مکانی بنا بر صلح با دشمن شد نکات ذیل بر آن مترتب است و در آن صورت صلح معقول و مقبول است: صلحی که رضای خداوند در آن باشد،

صلحی که واقعاً موجبات امنیت کشوری و آسایش مردم شود، پس از صلح از دشمن غفلت نشود؛ زیرا چه بسا که او سازش را به‌عنوان روشی برای غافلگیری به کار گیرد، بعد از صلح نباید بی‌دغدغه بود بلکه می‌بایست حزم و عزم سرلوحه امور باشد، در این راه نمی‌بایست خوش‌بینی ملاک باشد بلکه باید همواره با واقع‌بینی و شک‌مبندی بر آگاهی و هشجاری به دشمن نگرست. به اعتقاد امام علی(ع) اگر با رعایت شروط پیش‌گفته مذاکره و مصالحه‌ای حاصل شد می‌تواند راهکاری برای حفاظت از تمامیت ارضی سرزمین اسلام به تعبیر دیگر می‌تواند راهی برای حفاظت از اماکن اسلامی تحت عنوان یک مکان واحد تلقی گردد.

حفاظت اسناد و مدارک

کلیه اقداماتی که به‌منظور نگهداری اسناد و مدارک در مقابل خطرات و تهدیدات طبیعی و مصنوعی انجام می‌شود و هرگونه عملی که از دسترسی افراد غیرمجاز به آن جلوگیری می‌کند حفاظت اسناد و مدارک گفته می‌شود. (گروه مؤلفین، ۱۳۸۶: ۴۱) حضرت علی (ع) در توصیه‌های مهمی در حوزه حفاظت اسناد و مدارک خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «وَاعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَضِلُّحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَلَا غَتَىٰ بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ وَ مِنْهَا كُتَابُ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ... ثُمَّ أَنْظِرْ فِي حَالِ كُتَابِكَ قَوْلَ عَلَىٰ أُمُورِكَ خَيْرَهُمْ وَ اخْصُصْ رَسَائِلَكَ الَّتِي تُدْخِلُ فِيهَا مَكَائِدَكَ وَ أَسْرَارَكَ بِأَجْمَعِهِمْ لِيُجِوهَ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ الْكِرَامَةُ فَيَجْتَرِي بِهَا عَلَيْكَ فِي خِلَافٍ لَكَ بِحَضْرَةِ مَلَأٍ وَ لَا تَقْصُرْ بِهِ الْعَفْلَةَ عَنْ إِيْرَادِ مَكَاتِبَاتِ عَمَالِكَ عَلَيْكَ وَ إِصْدَارِ جَوَابَاتِهَا عَلَى الصَّوَابِ عَنْكَ فِيمَا يَأْخُذُ لَكَ وَ يُعْطِي مِنْكَ وَ لَا يُضْعِفُ عَقْدًا اِعْتَقَدَهُ لَكَ وَ لَا يَعْجِزُ عَنْ إِطْلَاقِ مَا عَقَدَ عَلَيْكَ وَ لَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ يَقْدِرُ نَفْسِهِ يَكُونُ يَقْدِرُ غَيْرَهُ أَجْهَلُ ثُمَّ لَا يَكُنْ اِخْتِيَارَكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ وَ اسْتِنَامَتِكَ وَ حُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ فَإِنَّ الرَّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ لِفِرَاسَاتِ الْوَلَاةِ بِتَضَنُّعِهِمْ وَ حُسْنِ خِدْمَتِهِمْ وَ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَ الْأَمَانَةِ شَيْءٌ وَ لَكِنْ اِخْتَبَرَهُمْ بِمَا وُلُّوا لِلصَّالِحِينَ قَبْلَكَ فَاعْمِدْ لِأَحْسَنِهِمْ كَانِ فِي الْعَامَّةِ أَثْرًا وَ اَعْرِفِهِمْ بِالْأَمَانَةِ وَجْهًا فَإِنَّ ذَلِكَ دَلِيلٌ عَلَى نَصِيحَتِكَ لِلَّهِ وَ لِمَنْ وُلِّيتْ أَمْرُهُ» «ای مالک بدان مردم از گروه‌های گوناگونی هستند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ‌یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست، از آن جمله لشکریان خدا و نویسندگان عمومی و خصوصی هستند... پس در امور نویسندگان و منشیان به‌درستی بیندیش، و کارهایت را به بهترین آنان واگذار، نامه‌های محرمانه که دربردارنده سیاست‌ها و اسرار تو است از میان نویسندگان به کسی اختصاص ده که صالح‌تر از

دیگران باشد، کسی که گرامی داشتن، او را به سرکشی و تجاوز نکشاند تا در حضور دیگران با تو مخالفت کند و در رساندن نامه کارگزارانت به تو یا رساندن پاسخ‌های تو به آنان کوتاهی نکند و در آنچه برای تو می‌ستاند یا از طرف تو به آنان تحویل می‌دهد فراموش کار نباشد. در تنظیم هیچ قراردادی سستی نوزد، در برهم زدن قراردادی که به زیان توست کوتاهی نکند، منزلت و قدر خویش را بشناسد، همانا آن که از شناخت قدر خویش عاجز باشد در شناخت قدر دیگران جاهل‌تر است. مبدا در گزینش نویسندگان و منشیان بر تیزهوشی و اطمینان شخصی و خوش‌باوری خود تکیه نمایی، زیرا افراد زیرک با ظاهرسازی و خوش‌خدمتی نظر زمامداران را به خود جلب می‌نمایند که در پس این ظاهرسازی‌ها نه خیرخواهی وجود دارد و نه از امانت‌داری نشانی یافت می‌شود لکن آن‌ها را با خدماتی که برای زمامداران شایسته و پیشین انجام داده‌اند بیازما، به کاتبان و نویسندگانی اعتماد داشته باش که در میان مردم آثاری نیکو گذاشته و به امانت‌داری از همه مشهورترند که چنین انتخاب درستی نشان‌دهنده خیرخواهی تو برای خدا و مردمی است که حاکم آنانی. برای هر یک از کارهایت سرپرستی برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی نیابد، فراوانی کار او را درمانده نسازد. بدان که هرگاه در کار نویسندگان و منشیان تو کمبودی وجود داشته باشد که تو بی‌خبر باشی خطرات آن دامن‌گیر تو خواهد بود».

در ابتدای امر سخن از طبقات مردم آغاز می‌شود و دو طبقه سپاهیان و نویسندگان در کنار هم ذکر می‌شوند که پیش‌تر از این ذکر، حضرت امیر تأکید کرده‌اند هیچ‌یک از دیگری بی‌نیاز نیست و شاید این کلام تعبیری بر این باشد که بناست امور نظامی توسط کسانی ثبت و ضبط شود لیکن این کسان دو گونه عام و خاص دارند و به تبع آن امور نظامی هم می‌بایست در دو دسته عام و خاص ثبت گردد، به این ترتیب حضرت، طبقه‌بندی اسناد و حیظه‌بندی نویسندگان را برای مالک تشریح می‌نمایند: «كُتِبَ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ... ثُمَّ انْظُرْ فِي حَالِ كُتَابِكَ قَوْلَ عَلَى أُمُورِكَ خَيْرَهُمْ وَأَخْصَصْ رَسَائِلَكَ الَّتِي تُدْخِلُ فِيهَا مَكَائِدَكَ وَ أَسْرَارَكَ بِأَجْمَعِهِمْ لِيُوجِوهَ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ».

با توجه به چنین جایگاه و وظایفی برای دبیران بی‌گمان گزینش آنان و نظارت و پیگیری کارشان از امور مهم حکومت شمرده می‌شود: «ثُمَّ انْظُرْ فِي حَالِ كُتَابِكَ» از این رو در گزینش آنان علاوه بر شرط‌های یادشده برای کارگزاران، توانایی‌های ویژه‌ای (خاص دبیران) نیز لازم است در

نظر گرفته شود: «قَوْلٌ عَلَىٰ أُمُورِكَ خَيْرُهُمْ» دبیری جایگاهی است که باید بهترین کارگزاران در آن قرار گیرند زیرا اموری را تعیین و تنظیم می‌کنند که در تمام حکومت و مدیریت تأثیر می‌گذارد. حضرت تأکید دارند که در تشخیص بهترین دبیران، حاکم [تصمیم‌گیر] نباید صرفاً به اطلاعات، زیرکی، حسن ظن و برداشت شخصی خود اکتفا کند: «ثُمَّ لَا يَكُنْ اخْتِيَارُكَ إِلَّا هُمْ عَلَىٰ فِرَاسَتِكَ وَ اسْتِنَامَتِكَ وَ حُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ» که اگر زمامداری بدون توجه به ملاک‌ها و معیارهای اسلامی مذکور کسی را به پست و مقامی منصوب کند این کار در واقع ریشه واحد و مشترکی است که شاخه‌های گوناگون ظلم و جور و خیانت از آن سر برمی‌کشند. (فاضل لنگرانی، ۱۳۷۳: ۱۵۷)

به این ترتیب امام علی (ع) در گزینش متولیان اسناد، فرد تصمیم‌گیر را از سه آفت پرهیز داده است: انتخاب افراد بر مبنای تشخیص شخصی و حدس قوی، راحت‌گیری و آسوده‌سازی خود در انتخاب افراد و تکیه صرف بر خوش‌گمانی یا حسن ظن. پیداست که انواع روابط خانوادگی، مالی، عاطفی و... می‌تواند زمینه‌ساز بروز و ظهور هر یک از آفت‌های مذکور باشد.

با توجه به اهمیت ویژه اسناد نظامی و دارای طبقه‌بندی، امام علی (ع) علاوه بر نحوه گزینش، بخشی از نامه ۵۳ را به تبیین شرایط شخصیتی و رفتاری کسانی اختصاص می‌دهد که نامه سری و محرمانه و قراردادهای حساس را در اختیار دارند؛ ایشان می‌فرمایند: «وَ اَخْصَصْ رَسَائِلَكَ الَّتِي تُدْخِلُ فِيهَا مَكَايِدَكَ وَ اَسْرَارَكَ بِأَجْمَعِهِمْ لَوْجُوهِ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ» «نامه‌های محرمانه خود را که دربردارنده نقشه‌ها و اسرار مخفی است در اختیار کسی قرار ده که بیش از همه دارای فضایل اخلاقی باشد»

آنگاه امام (ع) فضیلت اخلاقی متولیان اسناد خاص را در پنج مورد بیان می‌کنند. نخست: «مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ الْكِرَامَةُ فَيَجْتَرِئَ بِهَا عَلَيْكَ فِي خِلَافِ لَكَ بِحَضْرَةِ مَلَا» «از کسانی باشد که مقام و موقعیت او را مست و مغرور نسازد تا جرأت کند در حضور بزرگان و سران مردم با تو مخالفت و گستاخی ورزد».

دوم: «وَلَا تَقْصُرْ بِهِ الْعَفْلَةَ عَنْ إِيرَادِ مَكَاتِبَاتِ عُمَّالِكَ عَلَيْكَ وَ إِضَارِ جَوَابَاتِهَا عَلَى الصَّوَابِ عَنكَ فِيمَا يَأْخُذُ لَكَ وَ يُعْطِي مِنْكَ» «کسی که در رساندن نامه‌های کارگزارانت به تو و گرفتن پاسخ‌های صحیح آن از تو غافل نشود. خواه از اموری باشد که برای تو دریافت می‌دارد یا از سوی تو تقدیم می‌دارد».

سوم: «وَلَا يُضْعِفُ عَقْدًا اعْتَقَدَهُ لَكَ» «کسی باشد که هرگاه قراردادی به سود تو باشد سستی در آن وارد نکند».

چهارم: «وَلَا يَعْجِزُ عَنْ إِطْلَاقِ مَا عَقِدَ عَلَيْكَ» «و هرگاه قراردادی بر ضد تو بسته شده از

یافتن راه حل آن عاجز نماند [توانایی بر هم زدن آن را داشته باشد]» نه اینکه ظلم و ستم کند و پایبند به قرارداد نباشد بلکه پیش‌بینی‌های لازم را در قرارداد اعمال کند که به هنگام بروز پارهای از مشکلات بتواند راه چاره را بیابد. در پنجمین و آخرین وصف می‌فرماید: «وَلَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِقَدْرِ نَفْسِهِ يَكُونُ بِقَدْرِ غَيْرِهِ أَجْهَلَ» «قدر و منزلت خویش را بدانند؛ زیرا آن کس که به قدر و منزلت خویش جاهل است نسبت به قدر و منزلت دیگران جاهل‌تر خواهد بود.» به این ترتیب در مبحث حفاظت اسناد، حضرت امیر(ع) از شیوه‌گزینش، طبقه‌بندی اسناد و ویژگی متولیان اسناد سخن به میان می‌آورد و ضوابط لازم را به مالک اشتر گوشزد می‌نماید.

توصیه‌های امام علی(ع) در نامه ۵۳ پیرامون دبیران و اسناد به موارد پیش‌گفته ختم نمی‌شود بلکه ایشان با تأکید می‌فرمایند: «وَمَهْمَا كَانَ فِي كِتَابِكَ مِنْ عَيْبٍ فَتَعَايَيْتَ عَنْهُ أَلْزَمْتَهُ» «و (باید بدانی) هر عیبی در کار نویسندگان و منشیان مخصوص تو یافت شود که تو از آن بی‌خبر بمانی، مسئول آن خواهی بود» در واقع غرض امام این است که بر فرض رعایت موارد گزینشی و تعیین مسئولان هر حوزه باز هم مسئولیت از حاکم برداشته نمی‌شود و این ویژگی همان است که به مسئولیت مشترک تعبیر می‌شود و اشاره دارد که تعیین مسئول برای هر کار سلب مسئولیت از مقامی بالاتر نمی‌کند؛ چراکه او باید در عین تقسیم‌کار و مدیریت‌ها، بر وضع مدیران خود نظارت مستمر داشته باشد همان‌گونه که در دنیای امروز نیز چنین است که اگر مدیری در فلان وزارتخانه دست به کار خلافی زد، وزیر را احضار می‌کنند و از او بازخواست می‌نمایند و به این ترتیب درباره کارهای مهم نظارت مضاعف صورت می‌گیرد و سبب استحکام برنامه‌های اجرایی حکومت خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۵).

حساب و کتابی که دولت علوی برای برقراری اصول سیاسی ولایت صادر می‌کند ناشی از سواد دیوانی و دقت نظر به امور دنیوی مردمان از همه اقشار و طبقات است که مبدا ذره‌ای از عدالت خارج شود. البته این نظم را که به نحو مختصر از دوره نبوی که خود امام علی(ع) یکی از کاتبان بود با اسلام آغاز و در دوره اموی چنان‌که مشهور است تقویت شد. امام علی(ع) از ناصحان دفتر و دیوان بود که اینک به مالک انتقال می‌داد(میقانی و حکمی نیا، ۱۳۹۶: ۱۳۵).

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

با بهره‌گیری از روش تکوین استقرایی مقوله‌ها مبتنی بر مطالعه تحلیلی محتوای کیفی داده‌ها و سازمان‌دهی آن در قالب مفاهیم و مقوله‌ها، ۲۲ مقوله حفاظتی از بیانات گهربار حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ به شرح جدول الف احصا گردید.

ردیف	واحد تحلیل (متن نامه ۵۳)	مفهوم
۱	خداوند پیروزی کسی را تضمین می‌کند که او را یاری دهد	آگاه‌سازی
۲	اگر گناهی از مردم خواسته یا ناخواسته سر زد آنان را ببخشای	غفران
۳	بر بخشش مردم پشیمان مباش	غفران
۴	مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است	عیب‌پوشی
۵	می‌آید آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی	رازداری
۶	داوری از آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد	رازداری، عیب‌پوشی
۷	چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان	عیب‌پوشی
۸	می‌آید بدترین وزیران تو که پیش از تو وزیر بدکاران بوده محرم راز تو باشند	هشیاری
۹	افراد باصلاحیت راه از رازداران خود قرار ده	رازداری
۱۰	هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد	بیمناکی مقدس
۱۱	سپاهیان به فرمان خدا راه‌های تحقق امنیت کشورند	حفاظت اماکن
۱۲	در امور کارمندان بیندیش و بررسی و بازرسی کن	بازرسی
۱۳	رفتار کارگزاران را با گماردن جاسوسانی راست گو و با وفای پشینه بررسی کن	بازرسی، کنترل
۱۴	اگر یکی از کارگزاران خیانت کرد و گزارش جاسوسان هم تأیید شد به همین مقدار گواهی قناعت کن	بازرسی، کنترل
۱۵	در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش	حفاظت اسناد
۱۶	نامه‌های محرمانه را که در بردارنده سیاست‌ها و اسرار توست به صالح‌ترین دبیران بسپار	حفاظت اسناد
۱۷	در گزینش نویسندگان به خوش‌باوری و تیزهوشی خود تکیه نکن؛ زیرا افراد با زیرکی نظر زمامدار را جلب می‌کنند	حفاظت اسناد، گزینش
۱۸	به کاتبان و نویسندگانی اعتماد داشته باش که در میان مردم آثار نیکو بگذارند	حفاظت اسناد

۱۹	هرگاه در کار نویسندگان و منشیان تو کمبودی باشد خطرات آن دامن گیر تو خواهد بود	حفاظت اسناد، پیشگیری
۲۰	فرد خداترس و فروتنی را مأمور گزارش مسائل طبقه پایین و محروم جامعه قرار ده	بازرسی، گزینش
۲۱	هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که رضای خدا در آن باشد رد نکن که امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد	حفاظت اماکن
۲۲	پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راه‌ها به آن‌ها امن گردد	حفاظت اماکن

جدول الف: مقوله‌های حفاظتی در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه

تعدادی از مقوله‌ها به‌تنهایی برخوردار از پیام روشنی بودند لیکن برخی از آن‌ها وجوه مشترکی داشتند که باهم ترکیب و ضمن قرار دادن در دسته‌های بزرگ‌تر، سازمان‌دهی و درنهایت به ۱۸ مقوله خلاصه گردید.

خلاصه‌سازی مقوله‌ها		
پیشگیری	غفران	حفاظت کارکنان
رازداری	عیب‌پوشی	بازرسی
امنیت کشور	حفاظت اسناد	امنیت مرزها
خودحفاظتی	نظارت	امنیت راه‌ها
گزینش متولیان اسناد	متولیان اسناد دارای طبقه‌بندی	متولیان اسناد
شبکه منابع آشکار	شبکه منابع پنهان	حفاظت اماکن

جدول ب: خلاصه‌سازی مقوله‌های حفاظتی در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه

در این گام و پس از انجام مقوله‌بندی، خلاصه‌سازی مقوله‌ها و پالایش آن، ناظر به سؤالات تحقیق مبتنی بر یافتن ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، برای دستیابی به پاسخ بخش اول سؤال [ابعاد حفاظتی] با روش استقرایی مؤلفه‌هایی که دارای مفاهیم مشترک و مشابه

بودند در ذیل یک طبقه قرار داده و سازمان‌دهی شدند و سپس متناسب با محتوای هر طبقه نسبت به تعیین بعد حفاظتی هر یک اقدام شد.

ابعاد حفاظتی		
حفاظت اسناد	حفاظت اماکن	حفاظت کارکنان

جدول ج: ابعاد حفاظتی در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه

برای دستیابی به پاسخ بخش دوم سؤال [مؤلفه‌های حفاظتی] ابتدا مقوله‌ها از جهت وجوه تشابه و تفاوت و روابط میان آن‌ها باهم مقایسه و سپس مقوله‌های حول محور مشترک باهم قرار گرفته و ذیل عناوین مشترک سازمان‌دهی شد، بدین ترتیب مؤلفه‌های حفاظتی استخراج و پاسخ سؤال مطابق جدول زیر احصا گردید.

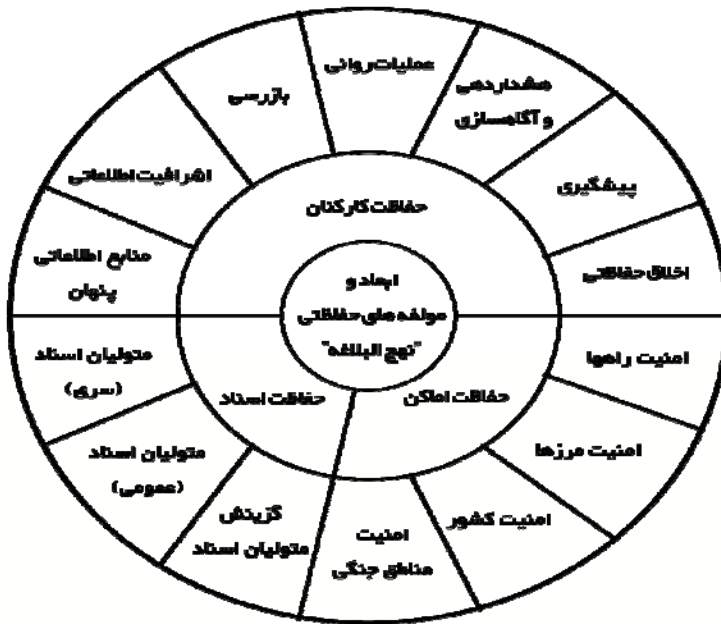
مؤلفه‌های حفاظتی			
آگاه‌سازی	پیشگیری	منابع پنهان اطلاعاتی	اخلاق حفاظتی
امنیت مناطق جنگی	امنیت مرزها	اشرافیت اطلاعاتی و عملیات روانی	بازرسی
ویژگی‌های متولیان اسناد	گزینش متولیان اسناد (عادی و ویژه)	امنیت کشور	امنیت راه‌ها

جدول د: مؤلفه‌های حفاظتی در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه

توزیع فراوانی جدول فوق نشانگر آن است که مؤلفه‌های حفاظتی در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه شامل: اخلاق حفاظتی، هشدار دهی و آگاه‌سازی، پیشگیری، عملیات روانی، اشرافیت اطلاعاتی، اعم از کسب اخبار آشکار و پنهان از طریق منابع و مخبرین و بازرسی در بعد حفاظت کارکنان؛ امنیت مرزها، امنیت مناطق جنگی، امنیت راه‌ها و امنیت کشور در بعد حفاظت اماکن؛ گزینش

متولیان اسناد، شرایط متولیان اسناد عمومی و شرایط متولیان اسناد دارای طبقه‌بندی در بعد حفاظت اسناد جای می‌گیرند.

از ترکیب ابعاد سه‌گانه مورد تأکید در نامه ۵۳ به همراه مؤلفه‌های ذکر شده برای هر یک مدل ذیل به دست می‌آید که گویای فراوانی مؤلفه‌های هر یک از ابعاد نیز می‌باشد:



نمودار شماره ۱: مدل ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی استخراج شده از نامه ۵۳ نهیج البلاغه (محقق یافته)

نتیجه‌گیری

امیرالمؤمنین علی(ع) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر نخعی ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی را نه به‌عنوان صرفاً معیارهای شخصی بلکه به‌عنوان اخلاق رهبری و مدیریت جامعه اسلامی تبیین می‌نماید. از میان ابعاد و اهداف شش‌گانه‌ای که امروز برای حفاظت متصور است سه بعد حفاظت کارکنان، حفاظت اسناد و حفاظت اماکن مورد توجه حضرت امیر(ع) بوده است. البته سخن نگفتن پیرامون برخی از این ابعاد چه بسا با تحولات زندگی بشر در عرصه فناوریانه مرتبط است نه عدم اعتنای حضرت به چنین ابعاد و اهدافی. باری، در میان ابعاد مورد تأکید، بیشترین فراوانی مربوط به حفاظت کارکنان بوده و پس از آن دو بعد حفاظت اسناد و اماکن قرار می‌گیرند. نکته اینجاست که حضرت امیرالمؤمنین(ع) در حفاظت اسناد و اماکن نیز بیش از آن‌که به این دو مفهوم پردازند به نقش عامل انسانی در نحوه تحقق هر یک توجه می‌کنند. به‌این ترتیب علاوه بر این‌که در بعد کارکنان تمام توجه ایشان به انسان بوده و مالک اشتر را به مکارم الاخلاق رهنمود کرده‌اند، حتی در سایر ابعاد نیز توجه فرماندهان را به انسان معطوف نموده‌اند لذا در حفاظت اسناد سخن بر مدار نحوه‌گزینش دبیران و ویژگی‌های متولیان اسناد بوده و در حفاظت اماکن نیز عامل اصلی تحقق آن را سربازان و سپاهیان معرفی می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت از منظر امام علی(ع) چنانچه نیروی انسانی در مسیر فطری و الهی خود قرار گیرد و تصمیم‌گیران سرزمین اسلامی نیز بر گزینش چنین انسان‌هایی تأکید داشته و تمام اقدامات در راستای حفاظت از وی را به کار گیرند، چنین فردی در هر مأموریتی که گمارده شود آن را در مسیر اصلی و تعیین‌شده و به‌دور از انحراف پیش خواهد برد. به‌علاوه می‌توان گفت امام علی(ع) با ژرف‌اندیشی خود حکایت امنیت را به حکمت امنیت تبدیل کرده و آن را تبیین می‌نماید و سیاست‌گذاری امنیتی را مبتنی بر مکتب و حیانی اسلام و ناظر بر انسان و مصلحت عمومی تعریف می‌نمایند و بدین سان از دیدگاه حضرت علی(ع) غایت اصلی حکمرانی اسلامی حفاظت از مردم در ابعاد و جنبه‌های مختلف آن و خدمت به آنان برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی است. سخن پایانی این‌که امیرالمؤمنین(ع) علاوه بر توجه دادن مالک اشتر به نیروهای خودی و چگونگی گزینش آنان و حفاظت از ایشان، ذیل ابعاد حفاظتی و خاصه بعد حفاظت از مرزها و اماکن فرماندهان را به هشیاری در برابر

فریب‌کاری دشمن حتی در زمان صلح فرا می‌خواند و به این ترتیب امنیت را از حیث قلمرو در هر دو عرصه داخلی و خارجی مورد توجه قرار می‌دهد تا بدین وسیله برای جامعه تحت امر خویش مصونیت از مورد تعرض قرار گرفتن سرزمین و ارزش‌های نهادینه شده‌اش را به ارمغان آورد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه و شرح ابن ابی الحدید (۶۵۵ ق)، ترجمه و تحشیه: محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
۳. نهج البلاغه، ترجمه و شرح: محمد دشتی (۱۳۹۱)، قم: انتشارات نشتا.
۴. ارسطو، (۱۳۷۱)، سیاست. ترجمه: حمید عنایت. چ ۳. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۵. اسعدی، نگار (۱۳۸۹)، پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر و روان گردان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. الوانی، سید مهدی (۱۳۷۹)، مدیریت عمومی، تهران: انتشارات نی.
۷. امینی، عبدالحسین (بی تا)، الغدیر، تهران: انتشارات اسلامیة.
۸. باقری چوکامی، سیامک و فرامرز عابدینی (۱۳۹۰)، کالبدشکافی خودحفاظتی، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمد خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۷۳)، حکمت اصول سیاسی اسلام، چ ۲ تهران: انتشارات رستم خانی.
۱۱. جنتی، مرتضی (۱۳۹۴)، سیره اطلاعاتی امیرالمؤمنین امام علی (ع). تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام باقر (ع).
۱۲. خواجه سروی، غلامرضا و حسن زارعی محمودآبادی (۱۳۹۳)، فرهنگ سیاسی مطلوب در فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، ش ۹، صص ۶۳-۲۷.
۱۳. طباطبایی، سید جواد (۱۳۷۳)، زوال اندیشه سیاسی در ایران، تهران: انتشارات کویر.
۱۴. دهموش عاملی، علی (بی تا)، دایره المعارف اطلاعات و امنیت، ترجمه: رضا گرمابدری، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۰)، *دلالت دولت*، تهران: انتشارات دریا.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۵)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. رستمی، محمود (۱۳۷۸)، *فرهنگ واژه‌های نظامی*، انتشارات ستاد مشترک ارتش.
۱۸. شب‌دینی، محمد (۱۳۹۲)، *سیره حفاظتی و اطلاعاتی امامان معصوم علیهم‌السلام*، تهران: انتشارات زمزم هدایت.
۱۹. عمید، حسن (۱۳۹۰)، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۳)، *آئین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. قائدان، علی‌اصغر (۱۳۷۵)، *سیاست نظامی امام علی (ع)*، انتشارات فروزان.
۲۲. کارگروه فقه اطلاعاتی (۱۳۹۰)، *حفاظت اطلاعات در اسلام*، انتشارات زائر و با همکاری کارگروه فقه اطلاعاتی.
۲۳. گروه مؤلفین (۱۳۸۳) *فرهنگ توصیفی آگاه‌سازی حفاظتی ۲*، ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۴. گروه مؤلفین (۱۳۹۱). *فرهنگ توصیفی آگاه‌سازی حفاظتی*. انتشارات معاونت پیشگیری سپاه.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، *بحارالانوار*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الحکیم*، تهران: انتشارات نشر کتاب.
۲۷. معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ معین*، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲)، *پیام امام امیرالمؤمنین (ع)*، انتشارات امام علی ابن ابی‌طالب.
۲۹. ملایی، حسین (۱۳۹۲)، *اطلاعات و حفاظت اطلاعات در سیره نبوی و علوی*، انتشارات آینده.
۳۰. میقانی، کاظم و فاطمه حکمی نیا (۱۳۹۶)، *دولت علوی در پرتو نامه به مالک اشتر*، موسسه انتشارات بعثت.
۳۱. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹)، *مغازی*، ترجمه: مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران.

